

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۸۷، ۱۹۰ - ۱۶۵

بررسی امکان توسعه صادرات ایران به کشورهای مستقل مشترک المنافع

یوسف حسن پور* سید محمد علی حاجی میرزایی**

پذیرش: ۸۷/۷/۱۶

دریافت: ۸۶/۸/۲۷

پتانسیل صادراتی / تجارت مکملی / کشورهای مستقل مشترک المنافع

چکیده

هدف اصلی مقاله بررسی امکان و میزان پتانسیل صادرات غیر نفتی ایران به کشورهای مستقل مشترک المنافع^۱ (CIS) می باشد که بر حسب کل بخش تجارت غیر نفتی کشورها و بخش های ۲۱ گانه طبقه بندی نظام هماهنگ می باشد. این مطالعه با استفاده داده های پس نگر^۲ (صادرات و واردات) ۱۲ کشور شامل ایران و ۱۱ کشور عضو CIS انجام گردید. روش تجزیه و تحلیل بر مبنای استفاده از شاخص های ترکیبی شامل شاخص تعدیل یافته درایسدل و روش پیشنهادی آنکتاد می باشد. نتایج نشان می دهد ایران در صادرات غیر نفتی به کشورهای CIS دارای فرصت های صادراتی زیادی می باشد و در طی یک دهه اخیر افزایش چشمگیری داشته است. مع هذا، ایران می تواند با تقویت مناسبات منطقه ای از جمله گسترش تجارت درون منطقه ای با کشورهای مذکور فرایند یکپارچگی اقتصادی را به گونه ای مطمئن و با حفظ منافع ملی فراهم آورد و مبانی امنیت و اقتدار ملی کشور را

yh88790214@hotmail.com

* عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

** عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

■ یوسف حسن پور مسئول مکاتبات

1. Commonwealth of Independent States (CIS)

2. EX-POST

تحکیم و تقویت کند.

تعامل منطقه‌ای با کشورهای CIS بخصوص با کشورهای روسیه، بلاروس، اکراین می‌تواند فرصت مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب گردد. با توجه به نتایج بدست آمده، کاهش موانع تعرفه‌ای در قالب ارائه انواع طرح‌های تعرفه ترجیحی می‌تواند موجب افزایش حجم صادرات غیر نفتی ایران به کشورهای مذکور گردد.



طبقه‌بندی JEL: F14

مقدمه

در طی یک دهه اخیر کشورمان شاهد رشد مستمر صادرات بوده است. حجم صادرات غیر نفتی از ۲/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۱ به ۱۶/۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است^۱. صرفنظر از ترکیب صادرات غیر نفتی کشور، توسعه صادرات غیرنفتی از نظر نظری و تجربی مستلزم توسعه تجارت خارجی و روابط اقتصادی با ثبات و مستمر با شرکای تجاری به ویژه شرکای طبیعی است. سیاستگذاران اقتصادی کشورمان با درک اهمیت مذکور و به منظور تداوم صادرات و شکوفایی اقتصاد، فعالیت در عرصه همکاریهای منطقه‌ای و حضور مستمر در بازارهای جهانی را در سرلوحه برنامه‌های توسعه اقتصادی خود قرار داده‌اند. بطوری که تقویت مناسبات خارجی از طریق گسترش روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی در برنامه پنج ساله چهارم و نیز در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله در مقایسه با سنوات گذشته مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است.

یکی از اهداف بسیار مهم کشور تا سال ۱۴۰۴ (طبق سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴)، دست یافتن ج.ا. ایران به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ای آسیای جنوب غربی می‌باشد. بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله که ایران را در سال ۱۴۰۴ کشوری توسعه یافته و جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه آسیای جنوب غربی با متوسط نرخ رشد اقتصادی ۸ درصد هدف گذاری کرده است^۲ بر این نکته تصریح دارد که برای رسیدن به اهداف مذکور جز با تعامل سازنده و موثر با اقتصاد بین‌الملل قابل تحقق نمی‌باشد. در این میان موضوع قابل توجه‌ای که در خصوص حضور ایران در نظام اقتصاد بین‌الملل به ویژه با کشورهای منطقه بایستی مورد توجه قرار گیرد نحوه و چگونگی حضور بخش‌های مختلف به ویژه بخش بازرگانی خارجی در تعامل با نظام اقتصادی - بازرگانی بین‌الملل و منطقه می‌باشد. در این میان یکی از عوامل بسیار مهم در تعامل سازنده با اقتصاد بین‌الملل به توانایی کشورمان در تولید و صدور کالا به بازارهای جهانی و

۱. گمرک ج.ا. ایران، (۱۳۸۵).

۲. ابراهیمی، نصراله، (۱۳۸۵).

منطقه می‌باشد.

یکی از ترتیبات منطقه‌ای که در طی چند سال اخیر کانون توجه ایران قرار گرفته است جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع (CIS) می‌باشد که متشکل از جمعی از کشورهای در حال توسعه است که همزمان با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق رسماً در دسامبر ۱۹۹۱ میلادی تشکیل شده است. در حال حاضر کشورهای عضو این جامعه به ترتیب اندازه تولید ناخالص داخلی آنها شامل روسیه، اوکراین، قزاقستان، بلاروس، ازبکستان، ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان، ارمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان، مولداوی می‌باشد.^۱ ارزش تولید ناخالص داخلی آنها در سال ۲۰۰۵ بالغ بر ۲۰۳۱ میلیارد دلار می‌باشد که سهم روسیه و اوکراین به ترتیب ۶۸،۹ و ۱۴،۸ درصد می‌باشد.^۲

جمهوری اسلامی ایران، به لحاظ جغرافیایی دارای مرز زمینی و دریایی مشترک با اغلب کشورهای مذکور می‌باشد. این منطقه به جهت برخورداری از موقعیت ژئواکونومیک (شامل برخورداری از نفت، گاز و بطور کلی انرژی، بازار و تجارت، خطوط مواصلات بین‌المللی و نیز ژئوکالچرال (منطقه فرهنگی)^۳ کانون توجه ایران قرار گرفته است. اهمیت منطقه مذکور پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و مانند سایر مناطق چون آسیا - پاسیفیک، منطقه آ.سه.آ، آمریکا لاتین، منطقه آفریقا، افزایش یافته است و مشترکات فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی با تعداد زیادی از کشورها امکان همکاری بیشتر را فراهم نموده است. ارزش صادرات غیر نفتی کشور به CIS در سال ۱۳۷۱، ۱۱۵ میلیون دلار بوده که بعد از گذشت یک دهه و در سال ۱۳۸۵ به ۱۲۵۹ میلیون دلار (۱۱ برابر) افزایش یافته است.^۴

به نظر می‌رسد لازمه موفقیت در تعامل با اقتصاد منطقه و دستیابی به سند چشم‌انداز،

۱. در حال حاضر تعداد ۱۰ کشور مذکور به جز گرجستان و ترکمنستان اجتماع داوطلبانه CIS را تشکیل می‌دهند. در این مطالعه جهت بررسی بازار کشورهای منطقه تعداد کشورهای مورد بررسی شامل ۱۱ کشور به جز تاجیکستان می‌باشد.

۲. World Bank (2007).

۳. Freinkman, Lev & et al, (2004).

۴. پیشین، گمرک ج.ا.ایران سالهای (۱۳۷۱)، (۱۳۸۵).

شناسایی زمینه‌های همکاری ایران در تجارت با شرکای طبیعی از جمله CIS است. ج.ا. ایران زمانی می‌تواند به گسترش و تعمیق همگرایی با کشورهای منطقه را البته در چارچوب تعامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به صورت بهینه تبیین و اعمال نماید، که از حوزه توانایی‌ها و ظرفیت‌های موجود خود به ویژه در بخش تجارت خارجی، آگاهی کامل داشته و برای تحقق اهداف کوتاه و بلند مدت خود حسب سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ برنامه‌ریزی مناسب و صحیح داشته باشد. یکی از محورهای مهم اطلاعاتی جهت برنامه‌ریزی و گسترش و تعمیق همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه تجارت به ویژه در توسعه صادرات به کشورهای CIS در قالب طرح‌های مختلف یکپارچگی اقتصادی، آگاهی از زمینه‌های امکان تجارت از جمله وجود و یا عدم وجود تجارت مکملی و تخمین میزان پتانسیل صادراتی ایران با کشورهای مذکور است که از اهداف این پژوهش می‌باشد. به نظر می‌رسد یکی از مطالعات کاربردی که می‌تواند راهنمای خوبی برای حضور در تریبات منطقه‌ای پیش گفته باشد، آشکار نمودن وجود یا عدم پتانسیل تجاری کشورمان در تجارت با کشورهای واقع در منطقه مذکور می‌باشد.

مقاله در قالب سه بخش ارائه می‌گردد. در بخش اول ابتدا به مطالعات تجربی روش‌های تخمین پتانسیل تجاری و تجارت مکملی پرداخته می‌شود. سپس متدولوژی تحقیق ارائه می‌گردد. در بخش دوم با استفاده از روش‌های معرفی شده در بخش قبلی به تخمین تجارت مکملی و پتانسیل صادراتی ایران در تجارت با هر یک از کشورها و به تفکیک بخش‌های ۲۱ گانه طبقه‌بندی نظام هماهنگ پرداخته خواهد شد که نتایج در قالب جداول و نمودارهای مختلف ارائه می‌گردد و سپس به تحلیل نتایج پرداخته می‌شود. در نهایت با توجه به یافته‌های بخش دوم، بخش انتهایی به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات اختصاص دارد.

۱. مطالعات تجربی، سوابق و روش تحقیق

در چارچوب نظریات اقتصاد بین‌الملل، کشورها برای حضور موفق در یک تریبات منطقه‌ای نیازمند به یکسری شرایط و زمینه‌های توسعه همکاری‌های تجاری می‌باشند. در صورتی که چنین شرایط وجود داشته باشد آنگاه امکان اینکه کشورها با آزادسازی تجاری

منافع تجاری کسب نمایند و منابع و امکانات داخلی خود را در جهت تولید بر محور مزیت نسبی بهینه کنند بیشتر خواهد بود.

گروهی از اقتصاددانان به رهبری سامرز^۱ (۱۹۹۱) بر این عقیده‌اند که موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای احتمالاً بیشتر موجب افزایش رفاه می‌شوند. به اعتقاد آنها اگر کشورهای عضو از نظر جغرافیایی به هم نزدیک باشند و از وابستگی تجاری بسیار زیاد به یکدیگر برخوردار باشند (شرکای تجاری طبیعی)^۲، در این صورت خطر انحراف تجارت به حداقل می‌رسد. کروگمن^۳ (۱۹۹۱) با بیان عقاید مشابه بر این باور است که سودمندی یک موافقت‌نامه تجاری منطقه‌ای تا حدودی به فاصله جغرافیایی کشورهای عضو منطقه که موثر بر کاهش هزینه‌های حمل و نقل است، بستگی دارد. فرانکل^۴ (۱۹۹۷)، فرانکل، استاین، و وی^۵ (۱۹۹۵) و فرانکل و وی^۶ (۱۹۹۷) نیز نظرات مشابهی ابراز داشته‌اند.^۷

بخش وسیعی از مطالعات تجربی مربوط به بررسی شناخت زمینه‌های همکاری تجاری میان کشورها، اختصاص به روشها و مدل‌هایی دارد که متکی به داده‌های بعد از تجارت و به روش تحلیل عملکردی تجاری است. در مواردی که هدف تجزیه و تحلیل امکان و برآورد میزان پتانسیل صادراتی دو یا چند جانبه میان آن دسته از کشورهایی که در ابتدا هیچ‌گونه رابطه تجاری با یکدیگر نداشته‌اند باشد محققان اقتصادی عمدتاً از شاخص‌ها و روش‌های مختلفی استفاده می‌نمایند که به صورت معادلات ریاضی، تحت عنوان شاخصها و معیارهای ترکیبی، میزان و امکان تجارت میان کشورها را برآورد و تحلیل می‌کند. در روش مذکور میزان و امکان تجارت بین کشورها بطور بالقوه در سطح کالایی و بخشی آشکار می‌شود. در این روش شاخص‌ها با استفاده از طبقه‌بندی‌های کالایی و برحسب ارزش‌های مستقیم صادرات و واردات زوج کشورها قابل محاسبه می‌باشند.

1. Summers, L. (1991).
2. Natural Trading Partners.
3. Krugman, p. (1991).
4. Frankel, J. (1997).
5. Frankel, J., Stein, E. and Wei, S. (1995).
6. Frankel, J. and Wei, S. (1997) .

۷. حسن پور، یوسف (۱۳۸۵).

در این روش‌ها، ابتدا بایستی ساختار صادرات و واردات کشورها را بر حسب گروه‌های مختلف کالایی مشخص نمود. به این ترتیب که ارزش واردات گروه کالایی یک کشور را بر حسب طبقه‌بندی مختلف کالایی و بازار مشخص در نظر گرفته، سپس در مقابل آن، ارزش صادرات کشور طرف تجاری را از همان گروه کالایی مشخص کرد، بدین صورت برای هر کشور یک بردار صادرات یا واردات به وجود می‌آید و با استفاده از روشها و شاخص‌های معمول، به اندازه‌گیری و برآورد پتانسیل تجاری جهت تجزیه و تحلیل پتانسیل تجارت پرداخته می‌شود.

بسیاری از محققان از جمله بالاسا^۱ (۱۹۶۵) و لینمان^۲ (۱۹۶۶)، فینگر و کرینین^۳ (۱۹۸۸)، درایسدل^۴ (۱۹۶۷)، والراس^۵ (۲۰۰۱) و آنکتاد^۶ (۲۰۰۵) اشاره نمودند. در واقع محققان مذکور با استفاده از شاخصها و روشهای ساده ریاضی (بر مبنای مشاهدات و آمارهای تجاری) به تحلیل امکان تجارت بالقوه و میزان آن‌ها بصورت دوجانبه در یک مقطع زمانی پرداخته‌اند. روش‌های مورد استفاده محققان پیش گفته برای تعیین زمینه‌های همکاری میان کشورها در صادرات کالا، عمدتاً متکی بر دو روش می‌باشد:

الف - روشها و معیارهای تعیین‌کننده امکان تجارت یا وجود یا عدم وجود پتانسیل تجاری

ب - روش‌های تعیین‌کننده میزان و اندازه پتانسیل تجاری

درایسدل (۱۹۶۷) با کمک گرفتن از تئوریهای مختلف تجارت بین‌الملل و با استفاده از داده‌های پس از تجارت به معرفی معیاری جهت شناسایی زمینه‌های امکان تجارت میان کشورها با استفاده از مفهوم تجارت مکملی پرداخته است. بر اساس دیدگاه وی شدت دوجانبه تجاری میان کشورها متأثر از مکمل بودن الگوهای صادراتی و وارداتی، دوجانبه کشورها و تعدادی عوامل شامل پیوندهای جغرافیایی، اجتماعی، تاریخی،

1. Balassa, Bella (1965).
2. linnemann (1966).
3. Finger and Kreinin (1988).
4. Drysdale (1967).
5. Vallrath (2001).

۶. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: حسن پور، بهروزی فر (۱۳۸۶).

فرهنگی و نهادی میان آنها میباید.

در برخی مطالعات اخیر در حوزه تجارت بین الملل تلاش شده است تجارت مکملی کشورها با استفاده از شاخص های مزیت نسبی آشکار شده^۱ متکی به داده های بعد از تجارت و مبتنی بر ارزش صادرات و واردات کشورها در سطح بخشی و به روش تحلیل عملکردی برآورد نمایند^۲. شاخص مذکور در بسیاری از موضوعات مربوط به یکپارچگی منطقه ای شامل مطالعات مربوط نورد هایم و اندرسون^۳ (۱۹۹۳) برای بررسی اثرات ترتیبات تجاری در منطقه اروپا و والراس و جانستون^۴ (۲۰۰۱) جهت بررسی تغییرات ساختار بخش کشاورزی ایالات متحده با شرکای تجاری آن (اعضا موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی: نفتا و موافقت نامه تجاری آزاد کانادا و آمریکا)، اوسیمانی^۵ (۲۰۰۳) جهت بررسی اثرات منطقه آزاد تجاری در کشورهای عضو مرکوسور، کالفت و فلوریس^۶ (۲۰۰۴) جهت بررسی موافقتنامه آزاد تجاری کشورهای عضو اتحادیه اروپا با مرکوسور و ریدرادو و لونکانزا^۷ (۲۰۰۵) جهت بررسی زمینه های توسعه تجارت در آمریکای لاتین و حسن پور، صادقی یارندی (۱۳۸۴)^۸ جهت معرفی فهرست بخشهای پیشنهادی و درخواستی ایران در تجارت با هر یک از کشورهای عضو نظام ترجیحات تجاری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از شاخص مذکور استفاده شده است این شاخص الهام گرفته از شاخص تجارت مکملی در ایسدل می باشد روش جدیدی را جهت بررسی تغییرات الگوهای ساختاری صادرات و واردات زوج کشورها ارائه می نماید.

با توجه مطالب پیش گفته ، در این پژوهش جهت بررسی تجارت مکملی ایران با

1 .Revealed Comparative Advantage (RCA).

۲ . حسن پور، یوسف (۱۳۸۶).

3. Anderson and Nordheim (1993) .

4.Vollrath Thomas. and Johnston Pauler.

5. Osimani, Rosa (2003) .

6 . Calfat, German ,Flores JR,Renato (2004).

7 . Redrado,Martin,Lacunza,Hernan(2005) .

۸ . حسن پور، یوسف، یارندی، سیف اله (۱۳۸۴).

کشورهای CIS به روشهای زیر از شاخص تعدیل یافته درایسدل استفاده گردید.
 ۱- تخمین میزان و درصد پوشش تجارت مکملی ایران در صادرات غیر نفتی^۱ با هر یک از کشورهای منطقه

برای تخمین تجارت مکملی ایران در صادرات کالا به هر یک از کشورهای منطقه و بر حسب کل صادرات غیر نفتی از رابطه ذیل استفاده گردیده است:

$$CC_{irj}^a \equiv \sum_k [RCA_{ir}^k * \theta^k * RMA_j^k]$$

در این رابطه RCA_{ir}^k مزیت نسبی آشکاره شده ایران و RMA_j^k عدم مزیت نسبی آشکار شده هر یک از طرفهای تجاری (j) می باشد و CC_{irj}^a شاخص تجارت مکملی ایران در صادرات کالاهای غیر نفتی با هر یک از کشورهای منطقه (j) است. در این رابطه (a) معرف کل بخش غیر نفتی است. مضافاً اینکه در این پژوهش تجارت مکملی بر حسب بخشهای ۲۱ گانه طبقه بندی نظام هماهنگ برآورد خواهد شد.

برای این منظور شاخص مزیت نسبی و عدم مزیت نسبی آشکار شده بر حسب هر یک از بخشها از طریق رابطه ذیل استفاده شده است

$$RCA_i^{k < s} = \frac{\frac{X_{iw}^k}{X_{iw}^s}}{X_{ww}^k / X_{ww}^s}$$

$$RMA_j^{k < s} = \frac{\frac{M_{jw}^k}{M_{jw}^s}}{M_{ww}^k / M_{ww}^s}$$

در رابطه مذکور نماد s نشان دهنده بخش (بر حسب قسمت های ۲۱ گانه طبقه بندی نظام هماهنگ) و k نماد ردیف تعرفه ای که زیر مجموعه بخش است. بدین ترتیب ملاحظه

۱. منظور ارزش صادرات بدون لحاظ کردن نفت خام شامل کد تعرفه ۲۷۰۹۰۰ نظام هماهنگ (HS).

می شود جهت محاسبه مزیت و عدم مزیت نسبی آشکار شده بر حسب بخشهای ۲۱ گانه، بجای استفاده از صادرات غیر نفتی از ارزش صادرات و واردات همان بخش بر حسب کشور و کل جهان استفاده می شود. لذا برای تخمین تجارت مکملی کشورهای مورد بررسی به تفکیک بخش از رابطه ذیل استفاده گردیده است.

$$CC_{irj}^s \equiv \sum_{k \in s} \left[RCA_{ir}^k * \theta^k * RMA_j^k \right]$$

در این رابطه θ^k معادل $\frac{X_{ww}^{k \in s}}{X_{ww}^s}$ می باشد که سهم صادرات جهانی کالای k از کل صادرات جهانی بخش s می باشد.

در این پژوهش جهت اندازه گیری تجارت مکملی بر حسب هر یک از بخشها ابتدا با استفاد از ارزش صادرات و واردات کشورهای مذکور و صادرات جهانی ابتداً محاسبات با استفاده از شاخص مزیت و عدم مزیت نسبی در سطح کدهای ۶ رقمی سیستم هماهنگ شده توصیف و کدگذاری کالا (HS)^۱ انجام گرفته و سپس بر حسب کل تجارت غیرنفتی^۲ و به تفکیک بخشهای ۲۱ گانه طبقه بندی H.S. تجمیع و بر حسب هریک از زوج کشورها (شامل ایران با هریک از کشورهای منطقه) برآورد گردیده است. در این پژوهش نیز جهت نشان دادن درصد پوشش تجارت مکملی ایران در صادرات با هریک از کشورهای منطقه بر مبنای بخش های ۲۱ گانه از رابطه ذیل استفاده میگردد:

$$PCC_{ir}^j = \frac{n(C_{irj}^s > 1)}{n(C_{irj}^s > 0)} \times 100$$

n= تعداد بخشها

s = شماره بخشها

1. Harmonized System

۲. به جز نفت خام با شماره تعرفه ۲۷۰۹۰۰ طبقه بندی نظام هماهنگ .

در رابطه مذکور $\{C_{irj}^s > 1\}$ شامل تعداد بخش‌هایی که ایران در تجارت آنها با هر یک از طرف‌های تجاری (j) دارای تجارت مکملی از حیث صادرات می‌باشد و رابطه $\{C_{irj}^{cs} > 0\}$ شامل مجموع بخش‌های مورد مطالعه است. در این پژوهش بخش‌های مورد مطالعه شامل ۲۱ بخش طبق طبقه بندی نظام هماهنگ می‌باشد.

از سویی دیگر جهت تعیین درصد پوشش تجارت مکملی ایران (PCC_{ir}^s) در صادرات با مجموع کشورهای منطقه بر حسب هر یک از بخش‌های ۲۱ گانه از طریق رابطه ذیل استفاده می‌گردد.

$$PCC_{ir}^s = \frac{m(C_{irj}^s > 1)}{m(C_{irj}^s > 0)} \times 100$$

m = تعداد کشورهای طرف تجاری ایران

s = شماره بخشها

همان‌طوری که قبلاً اشاره گردید بخش دیگری از اهداف تحقیق به تخمین میزان پتانسیل صادراتی ایران در تجارت با کشورهای مطالعه اختصاص دارد.

اولین تلاش جدی برای اندازه‌گیری پتانسیل صادراتی کشورها، توسط آنکتاد صورت گرفته است^۱ و محققان این مرکز شاخص ارزشمندی را جهت اندازه‌گیری پتانسیل صادراتی کشورهای در حال توسعه ارائه کردند^۲. مضافاً اینکه در برخی مطالعات تجربی درباره ترتیبات منطقه‌ای مورد استفاده محققان قرار گرفته است^۳.

در این پژوهش جهت تخمین پتانسیل صادراتی ایران در تجارت با CIS از روش پیشنهادی آنکتاد به روش زیر استفاده میشود:

جهت تخمین پتانسیل صادراتی دوجانبه فی‌مابین ایران با هر یک از کشورهای عضو از رابطه ذیل استفاده می‌گردد:

1. UNCTAD (2002).

۲. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: پیشین، حسن پور، یوسف (۱۳۸۶).

3. Mukherji, Indr Nath (2005).

$$IXP_{ij}^k = \text{MIN} (X_{iw}^k, M_{jw}^k)$$

$$i=1,2,3,\dots,$$

$$j=1,2,3,\dots,$$

بدین ترتیب که ابتدا ارزش صادرات و واردات ۱۱ کشور عضو CIS به جهان بر حسب کدهای شش رقمی HS از بانک نرم افزاری آنکتاد تحت عنوان PC/TAS استخراج و سپس ارقام صادرات و واردات کشورها بصورت دو جانبه و مشترک استخراج و حداقل آن به عنوان حداکثر پتانسیل تعیین میگردد.

سپس با در نظر گرفتن تجارت بالفعل بین دو کشور میزان پتانسیل صادراتی تحقق نیافته بین کشورها از طریق رابطه ذیل استفاده می گردد :

$$IXPNET_{ij}^k = IXP_{ij}^k - M_{ji}^k$$

$IXPNET_{ij}^k$ = پتانسیل صادراتی تحقق نیافته کشور i (ایران) با توجه به ظرفیت وارداتی بازار z در کالای k

$$M_{ji}^k = \text{ارزش واردات کشور z از کشور i (ایران) در کالای k}$$

IXP_{ij}^k : ارزش پتانسیل صادراتی کشور i در تجارت با کشور z از کالای k

بعد از تعیین میزان پتانسیل تحقق نیافته بین کشورها از طریق نسبت زیر درصد پتانسیل

تحقق نیافته محاسبه می شود :

$$SIXPNET_{ij}^k = \left(\frac{IXPNET_{ij}^k}{IXP_{ij}^k} \right) * 100$$

$SIXPNET_{ij}^k$ = درصد پتانسیل صادراتی استفاده نشده کشور i در تجارت با کشور z

در کالای k

از سویی دیگر جهت تخمین پتانسیل صادراتی ایران با مجموع کشورهای عضو از روش ذیل استفاده میگردد. چنانچه کشور i عضو ترتیبات منطقه ای r باشد آنگاه ارزش واردات کشور مذکور از مجموع ارزش واردات کل منطقه کسر می گردد. در غیر این صورت از رابطه زیر استفاده می شود :

$$ISRXPR_r^k = \text{MIN} \left(X_{iw}^k, \sum_{j=1}^n M_{jw}^k \right)$$

در ادامه اشاره می‌شود جهت اندازه‌گیری پتانسیل صادراتی بر اساس آمارهای پس از تجارت و از داده‌های مقطعی سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۹۵ و متوسط دوره استفاده شده است. همچنین برای بررسی و تعیین پتانسیل صادراتی ایران، ابتدا محاسبات مربوطه در سطح کدهای ۶ رقمی سیستم هماهنگ شده توصیف و کدگذاری کالا (HS) انجام گرفته و سپس پتانسیل کل و بر حسب هریک از کشورها تجمیع گردید^۱.

۲. تخمین و تحلیل نتایج

در بخش حاضر، نتایج در قالب دو بخش مجزا ارائه می‌گردد بخش اول به اندازه‌گیری و تحلیل نتایج امکان تجارت بین ایران با کشورهای CIS اختصاص دارد و بخش دوم صرفاً به تخمین میزان پتانسیل صادراتی ایران به بازار گروه کشورهای مذکور می‌باشد. با توجه به روش‌های تخمین تجارت مکملی به عنوان معیاری جهت نشان دادن امکان توسعه صادرات ایران به بازار کشورهای مورد مطالعه و روش تخمین پتانسیل صادراتی ایران با گروه کشورها به عنوان معیاری برای نشان دادن اندازه، توان و پتانسیل صدور کالا به بازار CIS که در بخش پیشگفته ارائه گردید به تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از تخمین بر حسب بخش‌های ۲۱ گانه طبقه‌بندی نظام هماهنگ پرداخته می‌شود.

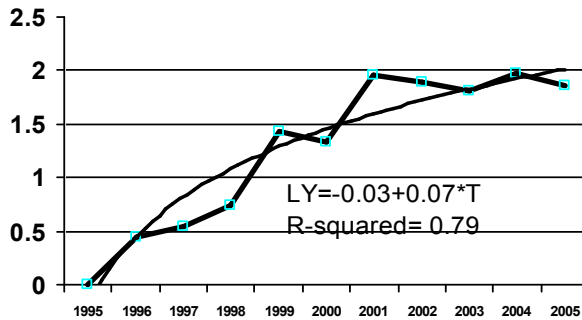
۳. بررسی تجارت مکملی ایران در صادرات با CIS

همانطوریکه قبلاً^۲ بدان اشاره گردید به منظور بررسی امکان توسعه صادرات به CIS از مفهوم تجارت مکملی استفاده می‌گردد. نمودار (۱) و جدول (۱) نتایج حاصل از تخمین تجارت مکملی ایران را با مجموع کشورهای CIS طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۵ و بر حسب کل تجارت غیر نفتی و به تفکیک بخشی ارائه می‌نماید.

بر اساس نمودار (۱)، ایران در صدور کالاهای غیر نفتی با کشورهای CIS دارای تجارت مکملی است. متوسط شاخص تجارت مکملی ایران در طی سالهای ۱۹۹۵-۲۰۰۵ بر حسب تمام کشورهای مورد مطالعه ۱،۳۷ واحد برآورد گردیده است. این نسبت

۱. کشورهای مورد بررسی شامل تمام کشورهای CIS به جز تاجیکستان می‌باشد.

در سال ۱۹۹۵ حدود ۰،۴۴ واحد بوده که با متوسط رشد سالانه ۷،۳ درصد به ۱،۵۷ واحد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. همانطوریکه در نمودار (۱) نشان داده شده، روند شاخص تجارت مکملی ایران با کشورهای CIS صرف نظر از اینکه یک روند افزایشی بوده، از یک ضریب ثبات روند ۷۹ درصد هم برخوردار بوده است.



به منظور ارزیابی نهایی وضعیت تجارت مکملی ایران، صرف نظر از استفاده از روش میان شاخص، از درصد پوشش تجارت مکملی نیز بهره برده شده است. از این حیث بررسی‌ها

نمودار ۱- روند متوسط شاخص تجارت مکملی ایران با CIS

نشان می‌دهد ایران در طی سالهای ۱۹۹۵-۲۰۰۵ تنها با ۸ کشور شامل ترکمنستان^۱ (۲/۴)، ازبکستان (۲/۲)، قرقیزستان (۱/۹)، ارمنستان (۱/۹)، مولداوی (۱/۸)، بلاروس (۱،۳)، آذربایجان (۱/۲) و گرجستان (۱/۰۴) در صادرات کالاهای غیر نفتی دارای تجارت مکملی می‌باشد. در حالی که با سایر کشورها بر حسب کل بخشهای غیر نفتی دارای عدم تجارت مکملی است. البته ایران در طی سالهای ۱۹۹۵-۱۹۹۹ تنها با چهار کشور از ۱۱ کشور مورد بررسی (درصد پوشش ۳۶/۴ درصد) از تجارت مکملی برخوردار بوده است که متوسط شاخص بر حسب این دسته از کشورها ۱/۸ واحد بوده است. این دسته از کشورها شامل مولداوی (۲/۶)، ارمنستان (۱/۵)، بلاروس (۱/۴) و آذربایجان (۱/۶) می‌باشند. در طی سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۵ درصد پوشش از ۳۶/۴ درصد به ۸۱/۶ درصد و متوسط شاخص تجارت مکملی از ۱/۸ به ۲ واحد افزایش یافته است. به عبارت دیگر ایران در طی سالهای مذکور با اغلب کشورها به جز روسیه و اوکراین با سایر کشورها از تجارت مکملی

۱. متوسط شاخص تجارت مکملی ایران در صادرات کالا با طرفهای تجاری از جمله ترکمنستان است

برخوردار شده است. ملاحظه می شود در طی سالهای اخیر، تجارت مکملی ایران با کشورهای مورد مطالعه در مجموع افزایش چشمگیری داشته است. (جدول (۱))

برای ارزیابی دقیق تر نتیجه مذکور، بررسیها بر اساس بخشهای ۲۱ گانه طبقه بندی HS نیز در طی سالهای ۱۹۹۵-۲۰۰۵ و در طی دو مقطع انجام گرفته است که در جدول (۲) نشان داده شده است.

در طی سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۵، از میان ۲۱ بخش مورد بررسی، ایران در صادرات بخش هایی نظیر ماشین آلات، وسایل مکانیکی و الکترونیکی (۱۶)،^۱ و سائط نقلیه و تجهیزات حمل و نقل (۱۷)، وسایل و دستگاههای اپتیک و دستگاههای جراحی (۱۸)، مبل و مبلی های طبی، اسباب بازی و سایر مصنوعات (۲۰) در مقایسه با سایر بخشها با تمام کشورهای مورد بررسی دارای تجارت مکملی و با متوسط شاخص به ترتیب ۲/۶ و ۱/۴ واحد می باشند. در حالی که در طی سالهای ۱۹۹۵-۱۹۹۹، درصد پوشش تجارت مکملی ایران در بخشهای مذکور به ترتیب ۸۱/۸ درصد، ۵۴/۵، ۵۴/۵ و ۱۰۰ درصد بوده است. همانطوریکه ملاحظه می شود در طی دو دوره مذکور تجارت مکملی ایران در بخش نظیر ماشین آلات، وسایل مکانیکی و الکترونیکی (۱۶)، و سائط نقلیه و تجهیزات حمل و نقل (۱۷) از شش کشور به ۱۱ کشور افزایش قابل توجه ای یافته است. نتیجه دیگری حاکی است در طی سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۵، ایران در هر یک از بخش هایی نظیر مواد پلاستیکی و کائوچو و اشیا ساخته شده از آن (۷)، چربی ها و روغن حیوانی یا نباتی (۳) و فرآورده های صنایع کانی غیر فلزی (۱۳) با بیش از ۸۱ درصد از کشورهای مورد بررسی (بیش از ۹ کشور از ۱۱ کشور مورد بررسی) دارای تجارت مکملی می باشد. در میان بخش های مذکور، ایران در صادرات گروه کالایی مواد پلاستیکی و کائوچو و اشیا ساخته شده از آن (۷) در مقایسه با سایر بخش ها دارای بیشترین تغییر در درصد پوشش تجارت مکملی با کشورهای مورد مطالعه است به طوری که شاخص مذکور از ۱۸/۲ درصد در طی ۱۹۹۵-۱۹۹۹ به ۹۰/۹ درصد در طی ۲۰۰۰-۲۰۰۵ افزایش یافته است. نتیجه مذکور گویای افزایش امکان تجارت و در نهایت افزایش

۱. ارقام داخل پرانتز شماره بخش طبق طبقه بندی نظام هماهنگ HS می باشد.

پتانسیل صادراتی ایران در صادرات مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده آن به بازار CIS است.

جدول (۲) وضعیت تجارت مکملی ایران را در صادرات کالا با هر یک از کشورهای CIS در طی سال‌های مورد مطالعه و در طی دو مقطع نشان می‌دهد. در طی سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۹، ایران در صادرات کالاهای غیر نفتی حداقل در ۴ بخش با تمام کشورهای CIS دارای تجارت مکملی است. به ویژه اینکه ایران با برخی از کشوره نظیر آذربایجان در ۱۱ بخش (۵۲ درصد) از ۲۱ بخش دارای تجارت مکملی است که در مقایسه با سایر کشورها دارای بالاترین درصد پوشش تجارت مکملی است. سایر کشورها نظیر ارمنستان، بلاروس و روسیه هر یک با درصد پوشش ۴۸ درصد بعد از آذربایجان قرار می‌گیرند. کمترین درصد پوشش تجارت مکملی بخشی ایران به قرقیزستان (۱۹ درصد) اختصاص دارد. در طی سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۵، ایران در صادرات کالاهای غیرنفتی حداقل در ۹ بخش از ۲۱ بخش با تمام کشورهای CIS دارای تجارت مکملی است. به ویژه اینکه ایران با برخی از کشورها نظیر ترکمنستان (۷۶ درصد)، ازبکستان (۷۱ درصد)، گرجستان (۷۱ درصد)، قرقیزستان (۶۷ درصد)، بلاروس (۶۲ درصد) و قزاقستان (۶۲ درصد) در مقایسه با سایر کشورها به ترتیب دارای بالاترین درصد پوشش تجارت مکملی می‌باشد. کمترین درصد پوشش تجارت مکملی بخشی ایران به روسیه (۴۳ درصد) اختصاص دارد.

نتایج مورد بررسی نشان می‌دهد اولاً ایران با تمام کشورهای عضو CIS و در بسیاری از بخش‌های مهم اقتصادی دارای تجارت مکملی است و این امر بیانگر توانایی ایران در تامین بخشی از نیازهای بازار مذکور است. ثانیاً روند رو به رشد تجارت مکملی ایران در صادرات غیر نفتی کالا به CIS بیانگر افزایش روبه رشد پتانسیل صادراتی ایران در تجارت با کشورهای مذکور می‌باشد. بدین ترتیب ایران یکی از پیش شرط‌های مهم برای مشارکت در طرح‌های یکپارچگی اقتصادی را با کشورهای عضو CIS را دارا می‌باشد.

جدول ۱ - تجارت مکملی ایران و درصد پوشش آن در صادرات کالا با هر یک از کشورهای CIS

| متوسط شاخص و درصد پوشش تجارت مکملی | | | | متوسط شاخص تجارت مکملی ایران در صادرات | | | کشور |
|------------------------------------|--------------|----------------------|--------------|--|-----------|-----------|-----------|
| متوسط دوره ۲۰۰۵-۲۰۰۰ | | متوسط دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۹ | | 2000-2005 | 1995-1999 | 1995-2005 | |
| متوسط شاخص | تعداد بخش‌ها | متوسط شاخص | تعداد بخش‌ها | | | | |
| 11.7 | 16(76) | 4.9 | 9(43) | 4.0 | 0.4 | 2.4 | ترکمنستان |
| 7.5 | 15(71) | 1.3 | 9(43) | 3.7 | 0.3 | 2.2 | ازبکستان |
| 20.1 | 14(67) | 4.7 | 4(19) | 2.4 | 0.8 | 1.9 | قرقیزستان |
| 2.9 | 12(57) | 5.7 | 10(48) | 2.0 | 1.5 | 1.9 | ارمنستان |
| 2.1 | 13(62) | 2.2 | 10(48) | 1.3 | 1.4 | 1.3 | بلاروس |
| 3.0 | 15(71) | 2.8 | 7(33) | 1.3 | 0.8 | 1.0 | گرجستان |
| 2.3 | 10(48) | 1.8 | 6(29) | 1.2 | 2.6 | 1.8 | مولداوی |
| 2.6 | 13(62) | 3.5 | 9(43) | 1.1 | 0.9 | 1.0 | قزاقستان |
| 2.3 | 12(57) | 2.7 | 11(52) | 1.1 | 1.6 | 1.2 | آذربایجان |
| 4.0 | 12(57) | 2.1 | 9(43) | 0.9 | 0.5 | 0.7 | اوکراین |
| 1.8 | 9(43) | 3.9 | 10(48) | 0.9 | 0.9 | 0.9 | روسیه |

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۲- تجارت مکملی ایران در صادرات کالا با کشورهای CIS
(بر حسب بخش ۲۱ گانه طبقه بندی H.S)

| تجارت مکملی بر حسب صادرات ایران با واردات کشورهای منطقه | | | | قسمت (HS) |
|---|--------------------------|----------------------|--------------------------|--|
| متوسط دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۵ | | متوسط دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۹ | | |
| متوسط شاخص | تعداد کشورها (درصد پوشش) | متوسط شاخص | تعداد کشورها (درصد پوشش) | |
| 1.9 | 7(63.6) | 1.2 | 1(9.1) | حیوانات زنده، فرآورده‌های حیوانی |
| 2.7 | 3(27.3) | 1.1 | 1(9.1) | فرآورده‌های نباتی |
| 4.4 | 10(90.9) | 4.6 | 11(100) | چربی‌ها و روغن حیوانی یا نباتی |
| 1.2 | 5(45.5) | 1.2 | 3(27.3) | فرآورده‌های صنایع غذایی و نوشابه‌ها و توتون و تنباکو |
| 1.2 | 1(9.1) | 0.0 | 0(0) | فرآورده‌های معدنی |
| 2.5 | 7(63.6) | 2.4 | 4(36.4) | فرآورده‌های صنایع شیمیایی |
| 1.3 | 10(90.9) | 1.2 | 2(18.2) | مواد پلاستیکی و کائوچو و اشیا ساخته شده از آن |
| 1.2 | 3(27.3) | 0.0 | 0(0) | پوست و چرم و اشیا ساخته شده از آن |
| 1.2 | 4(36.4) | 4.7 | 9(81.8) | چوب و اشیاء چوبی |
| 1.3 | 8(72.7) | 1.5 | 10(90.9) | خمیر چوب و کاغذ و اشیاء ساخته شده از آن |
| 7.6 | 6(54.5) | 2.0 | 1(9.1) | مواد نسجی و مصنوعات ساخته شده از آن |
| 16.0 | 8(72.7) | 2.4 | 6(54.5) | کفش، کلاه، چتر بارانی و گل‌های مصنوعی |
| 2.2 | 9(81.8) | 2.0 | 9(81.8) | فرآورده‌های صنایع کانی غیر فلزی |
| 15.3 | 7(63.6) | 22.9 | 1(9.1) | سنگها و فلزات گرانبها |
| 1.5 | 1(9.1) | 0.0 | 0(0) | فلزات معمولی و مصنوعات آنها |
| 2.6 | 11(100) | 1.3 | 9(81.8) | ماشین آلات، وسایل مکانیکی و |

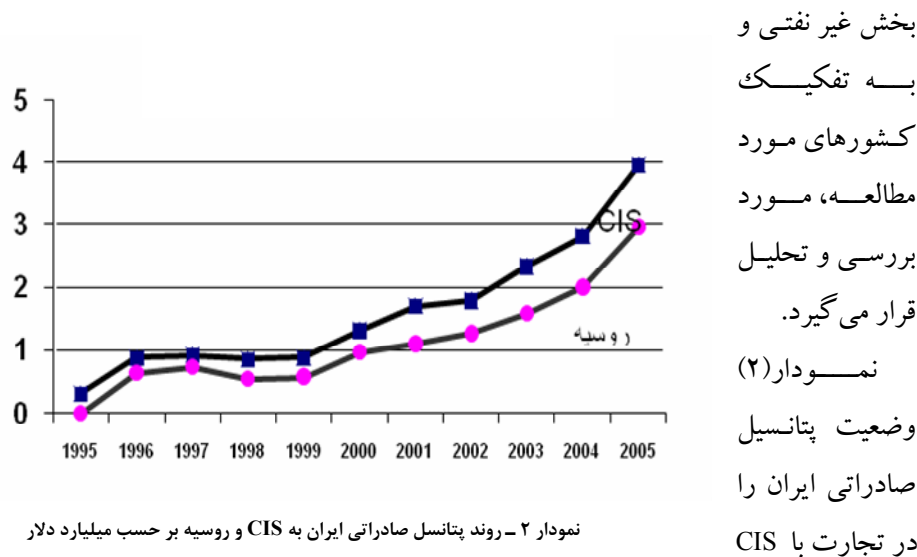
| | | | | |
|------|---------|------|---------|--|
| | | | | الکترونیکی |
| 2.9 | 11(100) | 3.3 | 6(54.5) | وسائط نقلیه و تجهیزات حمل و نقل |
| 3.6 | 11(100) | 1.5 | 6(54.5) | وسایل و دستگاه‌های اپتیک و دستگاه‌های جراحی |
| 1.2 | 2(18.2) | 13.0 | 4(36.4) | اسلحه و مهمات |
| 1.4 | 11(100) | 2.5 | 11(100) | میل و میل‌های طبی، اسباب بازی و سایر مصنوعات |
| 49.5 | 6(54.5) | 0.0 | 0(0) | کالاهای هنری و اشیاء متفرقه |
| 2.0 | 9(81.8) | 1.8 | 4(36.4) | کل کالاهای غیر نفتی |

ماخذ: یافته‌های تحقیق

* بدون لحاظ کردن نفت خام است

۴. بررسی پتانسیل صادراتی ایران در تجارت با CIS

در این قسمت، نتایج برآورد پتانسیل صادراتی ایران در تجارت با CIS بر حسب کل



نمودار ۲ - روند پتانسیل صادراتی ایران به CIS و روسیه بر حسب میلیارد دلار

بر حسب بخش‌های ۲۱ گانه ارائه می‌نماید. براساس این جدول، ارزش پتانسیل صادراتی ایران در خوشبینانه‌ترین حالت در تجارت با CIS حدود ۳،۹ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود که ۲۴ درصد از آن یعنی معادل ۹۵۴ میلیون دلار آن تحقق یافته است. بدین

ترتیب ۷۶ درصد از ظرفیت بازار CIS مورد استفاده تجار و بازرگانان ایرانی قرار نگرفته است البته ارزش پتانسیل صادراتی ایران به CIS در سال ۱۹۹۵ بالغ بر ۸۷۵ میلیون دلار بوده که با یک رشد سالانه ۲۰ درصدی و با ضریب ثبات روند ۸۸ درصد به ۳/۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. در این میان پتانسیل صادراتی ایران به روسیه از ۶۳۱ میلیون دلار در سال ۱۹۹۶ با روند افزایشی مستمر به ۲/۹ میلیارد دلار در سال

۲۰۰۵ افزایش یافته

است. همانطوری

که در نمودار (۲)

نشان داده شده است

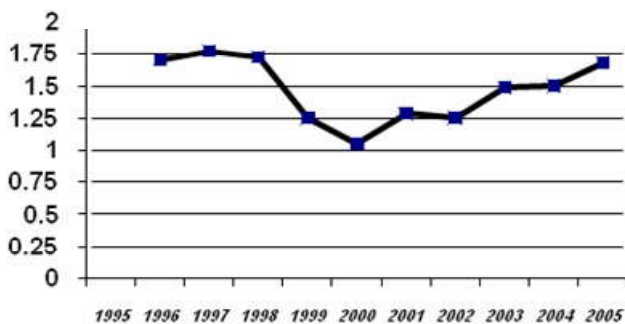
بخش اعظمی از

پتانسیل صادراتی

ایران به CIS متأثر از

اندازه بازار کشور

روسیه می باشد.



نمودار ۳ - روند سهم CIS از کل واردات غیرنفتی جهان

از سویی دیگر، روند واردات CIS از جهان در طی دوره مورد بررسی افزایش

چشمگیری داشته

است. بطوریکه سهم

CIS از واردات غیر

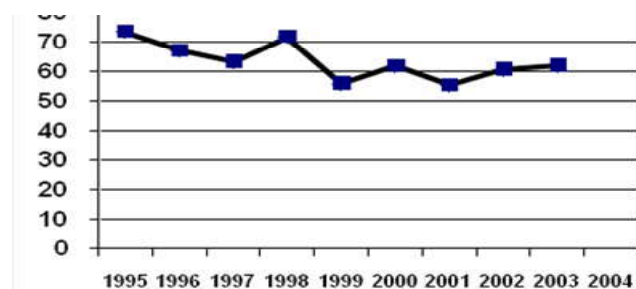
نفتی جهان از

۱/۲ درصد در سال

۱۹۹۵ به ۱/۷ درصد در

سال ۲۰۰۵ افزایش

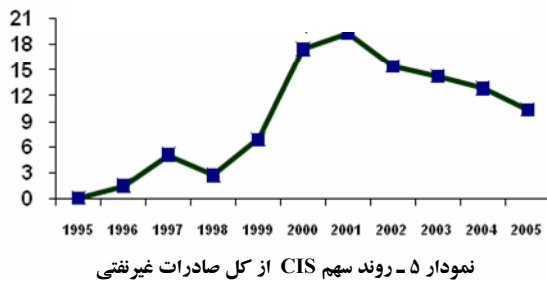
یافته است نمودار (۳).



نمودار ۴ - روند سهم روسیه از کل واردات CIS از جهان

در همین ارتباط اشاره می شود که سهم واردات روسیه از کل واردات CIS (از جهان) در سال ۱۹۹۶ بالغ بر ۷۳ درصد بوده که در سال ۲۰۰۵ به ۶۲ درصد کاهش یافته است.

نمودار (۴). اگرچه رقم مذکور دارای یک روند نزولی است ولی همچنان این کشور بخش اعظمی از واردات کشورهای CIS را تشکیل می‌دهد و از این حیث نقش بسیار مهمی در توسعه تجارت فیما بین کشورها دارد.



با توجه به روند روبه رشد پتانسیل صادراتی ایران و بازار وارداتی روبه رشد CIS، عملکرد ایران در صادرات کالا به CIS چندان متناسب با پتانسیل‌ها و توانایی صادراتی کشور

افزایش نیافته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد درصد پتانسیل صادراتی تحقق یافته ایران از ۴/۶ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۲۴ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است و سهم CIS از صادرات غیر نفتی کشور از ۱/۴ درصد در سال ۱۹۹۵ تنها به ۱۰/۳ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. نمودار (۵)

با فرض اینکه در یک سناریوی خوشبینانه که به جهت کاهش موانع تعرفه‌ای و حذف برخی موانع واردات و حل پاره‌ای مشکلات مربوط به صدور کالا از مبادی گمرکی کشور، تنها نیمی از پتانسیل صادراتی تحقق نیافته مورد استفاده تجار کشورمان قرار گیرد آنگاه پیش‌بینی می‌شود میزان صادرات غیر نفتی به بازار CIS از ۹۵۴ میلیون دلار به ۲۴۵۱ میلیون دلار افزایش یابد.

جدول (۳) وضعیت پتانسیل صادراتی ایران را در تجارت با هریک از کشورهای مورد مطالعه ارائه می‌نماید.

بر اساس این جدول، ایران در صادرات کالاهای غیر نفتی به روسیه، اوکراین و بلاروس در مقایسه با سایر کشورهای مورد مطالعه دارای بیشترین پتانسیل صادراتی است و این دسته از کشورها رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند. پتانسیل صادراتی ایران به روسیه بالغ بر ۲ میلیارد دلار می‌باشد. این نسبت بر حسب کشور اوکراین و بلاروس به

ترتیب ۱/۵ و ۱/۳ میلیارد دلار است. این درحالی است که تنها کمتر از ۴ درصد از پتانسیل صادراتی کشور در بازار هر یک از کشورهای مذکور تحقق یافته است. به بیان دیگر هنوز ۹۶ درصد از پتانسیل صادراتی کشور به بازار سه کشور فوق هنوز تحقق نیافته است. پیش‌بینی می‌شود در صورت تحقق تنها نیمی از پتانسیل صادراتی قابل تحقق، حجم صادرات به روسیه از ۷۸/۱ میلیون دلار به ۱ میلیارد دلار، به اکراین از ۵۷ میلیون دلار به ۷۶۰ میلیون دلار و به بلاروس از ۷۴۶ هزار دلار به ۶۴۵ میلیون دلار افزایش خواهد یافت. همچنین بر اساس جدول (۳) رقم پتانسیل صادراتی ایران برای سایر کشورها با فاصله بسیار زیاد با کشورهای پیشگفته کمتر از ۹۰۰ میلیارد دلار است. پتانسیل صادراتی ایران به قزاقستان، آذربایجان و ازبکستان به ترتیب ۸۰۳، ۵۲۸ و ۵۱۰ میلیون دلار می‌باشد ولی رقم مذکور برای سایر کشورها کمتر از نیم میلیارد دلار می‌باشد. ایران در صادرات کالاهای غیر نفتی به قرقیزستان و ارمنستان دارای کمترین پتانسیل صادراتی در مقایسه با سایر کشورها است. نکته قابل بررسی دیگر این است که حدود ۴۰/۲ درصد پتانسیل صادراتی ایران در تجارت با آذربایجان تحقق پیدا کرده است که در مقایسه با سایر کشورها بالاترین سهم را از این حیث به خود اختصاص داده است. ارمنستان دومین کشوری است که ۲۹/۳ درصد از پتانسیل صادراتی ایران تحقق یافته است.

جدول ۳ - نتایج حاصل از برآورد پتانسیل صادراتی ایران با هر یک از کشورهای CIS

| رتبه بر حسب بالاترین ارزش پتانسیل صادراتی | کشور | پتانسیل صادراتی ایران با هر یک از کشورها بر مبنای اطلاعات سال ۲۰۰۵ | | | وضعیت صادرات در یک سناریوی خوشبینانه | |
|---|---------|--|--|-----------------|--------------------------------------|--------------------------------|
| | | ارزش پتانسیل صادراتی (هزار دلار) | پتانسیل صادراتی تحقق یافته (هزار دلار) | درصد تحقق یافته | ارزش پتانسیل صادراتی تحقق نیافته | ارزش صادرات مورد انتظار به CIS |
| 1 | روسیه | 1995068 | 78104 | 3.9 | 1916964 | 1036586 |
| 2 | اوکراین | 1463971 | 56976 | 3.9 | 1406995 | 760473 |
| 3 | بلاروس | 1290040 | 746 | 0.1 | 1289294 | 645393 |

| وضعیت صادرات در یک ستاریوی خوشبینانه | | | پتانسیل صادراتی ایران با هر یک از کشورها بر مبنای اطلاعات سال ۲۰۰۵ | | | | |
|--------------------------------------|--------|--------|--|--------|--------|-----------|----|
| | | | | | | | |
| 425283 | 377892 | 755783 | 5.9 | 47391 | 803174 | قزاقستان* | 4 |
| 369846 | 157887 | 315774 | 40.2 | 211959 | 527733 | آذربایجان | 7 |
| 290242 | 219506 | 439013 | 13.9 | 70736 | 509748 | ازبکستان | 9 |
| 228087 | 227804 | 455608 | 0.1 | 284 | 455891 | مولداوی | 6 |
| 232782 | 203745 | 407491 | 6.7 | 29036 | 436527 | گرجستان | 5 |
| 262729 | 165051 | 330102 | 22.8 | 97678 | 427780 | ترکمنستان | 10 |
| 178263 | 97524 | 195048 | 29.3 | 80739 | 275787 | ارمنستان | 8 |
| 145748 | 127928 | 255856 | 6.5 | 17821 | 273676 | قرقیزستان | 11 |

ماخذ: یافته های تحقیق

*بر مبنای سال ۲۰۰۳

جمع بندی و ملاحظات

جمهوری اسلامی ایران، به لحاظ جغرافیایی دارای مرز آبی و خاکی مشترک با اغلب کشورهای CIS و برخورداری این منطقه از موقعیت ژئواکونومیک (شامل برخورداری از نفت، گاز و بطور کلی انرژی، بازار و تجارت، خطوط مواصلات بین المللی) و نیز ژئوکالچرال (منطقه فرهنگی) باعث شده در طی چند سال اخیر شاهد افزایش صادرات غیرنفتی به این بازارها باشیم.

با عنایت مزیت های طبیعی مذکور، ارتقاء جایگاه صادرات غیرنفتی کشور در این بازارها، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اگرچه کمتر از یک چهارم از پتانسیل صادراتی

کشور در تجارت با CIS مورد استفاده تجار و بازرگانان کشور قرار گرفته ولی حل پاره‌ای از مشکلات به ویژه در مرحله صدور کالا به این بازارها و تقویت مناسبات منطقه‌ای در قالب طرح‌های یکپارچگی اقتصادی نظیر موافقت نامه تجارت ترجیحی به صورت دو یا چند جانبه می‌توان چشم‌انداز خوبی از رشد پرشتاب صادرات غیر نفتی به CIS متصور شد. تعامل منطقه‌ای با کشورهای CIS بخصوص با کشورهای روسیه، بلاروس، اکراین که ایران در بسیاری از بخش‌ها دارای تجارت مکملی با این دسته از کشورها می‌باشد و از بازار روبه رشدی نیز برخوردارند می‌تواند فرصت مناسبی برای توسعه صادرات غیرنفتی کشور به حساب آید.

منابع

- ابراهیمی، نصراله (۱۳۸۵)؛ «جایگاه ایران در تعامل منطقه‌ای و بین‌المللی در چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور»، تحلیلی بر سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی.
- حسن پور، یوسف و سیف‌اله صادقی یارندی (۱۳۸۴)؛ «چارچوبی پیشنهادی جهت تقویت مبادلات تجاری ایران با کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی»، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۵ تابستان ۱۳۸۴.
- حسن پور، یوسف (۱۳۸۶)؛ «تخمین تجارت مکملی ایران با کشورهای منتخب»، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- (۱۳۸۵)؛ «بررسی عوامل موثر بر شدت تجارت کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی»، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- (۱۳۸۳)؛ «سنجش اکمال تجاری کشورهای عضو OIC»، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- (۱۳۸۶)؛ «تعیین پتانسیل تجاری دوجانبه و درون منطقه‌ای کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی»، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی
- حسن پور، یوسف، مرتضی بهروزی‌فر، (۱۳۸۶)؛ تخمین تجارت مکملی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۲ بهار ۱۳۸۶.
- گمرک ج.ا.ایران (۱۳۸۵)، سالنامه آمار صادرات و واردات کشور سالهای ۱۳۷۱-۱۳۸۵.

Mukherji, Indra Nath (2005); "The Bangkok Agreement: "A Negative List Approach to Trade Liberalization in Asia and the Pacific," ASIA -PACIFIC TRADE AND INVESTMENT REVIEW, United Nations , ESCAP, New York , Vol.1, No.2

Freinkman, Lev, Polyakov; Evgeny and Revenco, Carolina (2004); "*Trade Performance and Regional Integration of the CIS Countries*", World Bank, Working Paper, NO. 3 8

World Bank(2007), World Development Indicators ,www.worldbank.org.

UNCTAD(2002), Identifying export potential among selected Central Asian CIS Member Countries, Working Document , Project No. INT/W2/04